

## تحولات جایگزین‌های حبس در نظام حقوقی ایران

### عاطفه پارسا

کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

#### چکیده

کیفر حبس یکی از ضمانت اجراها در حقوق کیفری است که به لحاظ پیچیدگی مدیریت آن از نظر تأثیر اسلامی بر محکومین و پیشگیری از تکرار جرم، چندان موفقیت‌آمیز نبوده و در نتیجه سیاست حبس زدایی و تعیین جایگزین‌هایی برای آن به منظور کاهش جمعیت کیفری زندان و تقلیل هزینه‌های ناشی از آن مورد توجه نظام‌های کیفری و سازمان‌های بشردوستانه و سازمان ملل متحد قرار گرفته است. جایگزین‌های مجازات حبس با جایگزین‌های زندان کوتاه مدت، وارد نظام کیفری شد که برخی از آن‌ها دست قاضی را باز گذاشت تا به جای کیفر حبس به آن‌ها توسل جوید و برخی دیگر به شکل مستقل، یک نوع مجازات تلقی شده و به جمع کیفرها افزوده شد. در این مقاله در پی بررسی تحولات جایگزین‌های حبس در دادرسی کیفری هستیم هرچند تعبیر جایگزین حبس در دادرسی در قالب نهادهایی چون قرار تعلیق تعقیب و ترک تعقیب و میانجی‌گری شاید تعبیر نارسا باشد ولی در عین حال اجرای این نهادها باعث می‌شود تا فرآیند دادرسی به صورت موقت، معلق شده و نهایتاً مبنی به بازداشت یا حتی حبس متهم و محکوم نشود.

**واژه‌های کلیدی:** جایگزین‌های مجازات حبس، تعلیق تعقیب، ترک تعقیب، میانجی‌گری.

## ۱- مقدمه

مجازات حبس به منزله یک مجازات اصلی از نیمه دوم قرن هجدهم بعنوان یک واقعیت‌گریز ناپذیردرنظام های کیفری بسیاری از کشورها وجود دارد هر چند در سیر تحول نظام مجازات شاهد تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس و چگونگی اجرای بهتر آن هستیم (صفاری، ۱۳۹۹) ولی پس از جنگ دوم جهانی، تحت تاثیر اقدامات جنبش دفاع اجتماعی در زمینه رعایت و احترام به حقوق بشر - حق آزادی که پس از حق حیات یکی از اساسی ترین حقوق بشر محسوب می شود، جایگاه خود را پیدا کرد و بر همین مبنا چهارچوب روابط قوای حاکم بر شهروندان باز تعریف شد رواج یافتن حقوق شهروندی موجب افزایش تکالیف حکمرانان شد مردم به دنبال دولتهای پاسخگو بودند و انتظار داشتند که حاکمان حقوق اولیه همه شهروندان از جمله حق حیات و حق آزادی را به صورت کامل، هم در برابر مردمان متجاوز و هم در برابر کارگزاران حکومت، حفظ و حراست کنند اهمیت حقوق اساسی شهروندان به ویژه حق آزادی سلب آزادی از افراد را به عنوان یک استثنا و آخرین حربه مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس و بازداشت موقت را زیر سؤال برد و سلب آزادی تنها برای موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده شد. بدین ترتیب مشروعیت حبس دچار تردید شد و کمتر کسی سلب آزادی از تمام مجرمان را پذیرفت نتایج مطالعات و آمارها نشان دادند که حبس چه از منظر فلسفه ارباب و بازدارندگی و چه از منظر فلسفه اصلاح و درمان با شکست مواجه شده است. درعین حال، انتقادهای گسترده ای به آثار منفی زندان از لحاظ اقتصادی، جرم‌شناسی و اجتماعی وارد شد. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴)

این اشکالات گسترده در کنار شکست عملی مجازات حبس و تردیدهایی که در مشروعیت نظری (صفاری و حاجی تبار، ۱۳۹۳) آن پدید آمده بود همه متفکران علوم جنایی را واداشت که به دنبال جایگزین‌هایی برای مجازات باشند. در ایران با وجود کوشش‌ها و هزینه‌ها در جهت روش‌های اجرائی بهتر و صحیح‌تر مجازات‌های حبس، در دست‌یابی به اهداف پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات ناموفق بوده است به همین دلیل در سال‌های اخیر تحت تأثیر توصیه‌های سازمان ملل متحد و تجربه موفق کشورهای دیگر و نیز به دلیل ناکارآمدی برنامه‌های اصلاح و درمان در ایران و به ویژه نگرش رئیس قوه قضائیه به مسأله زندان در فقه تلاش‌هایی به منظور تحدید موارد استفاده از مجازات حبس و متنوع کردن مجازات‌ها در چارچوب سیاست حبس‌زدایی صورت گرفته است. بدین ترتیب، جهت حرکت چه در ایران و چه در کشورهای دیگر، به سمت محدود کردن حبس است نه حذف کامل آن از نظام عدالت کیفری، زیرا در برخی موارد، اعمال مجازات حبس امری‌گریز ناپذیر بنظر می‌رسد به همین دلیل در لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس، پیش‌بینی چنین مجازات‌هایی فقط برای دسته خاصی از جرم‌ها که مجازات حبس‌شان تا میزان خاص و معینی باشد برای دادگاه بطور الزامی یا اختیاری مجاز شمرده شده است.

جایگزین‌های برای مجازات حبس، نظیر خدمات عمومی، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی از نیمه دوم قرن بیستم (دهه ۷۰ و ۸۰ به بعد تحت تأثیر اقدامات جنبش دفاع اجتماعی نوین به رهبری مارک آنسل و با تأکید بر رعایت و احترام به حقوق بشر و نیز به خاطر شکست عملی مجازات زندان در اصلاح و درمان بزهکاران و جلوگیری از تکرار جرم آن‌ها، افزایش توسل به مجازات حبس زیر سؤال رفته و سلب آزادی تنها موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده است. یعنی، در این دوران ما شاهد گذار از زندگی‌گرایی به زندان‌زدایی به مثابه همان انقلاب یا به جابه‌جایی بزرگ در رابطه با کیفرها در قرن ۱۸ و ۱۹ (عصر روشنگری) یعنی گذار از مجازات بدنی به مجازات غیربدنی مانند حبس هستیم. موج این تحولات نیز طی سالیان اخیر به کشور جمهوری اسلامی ایران نیز رسیده است. مقاله حاضر طی سه بخش به تحولات تعلیق تعقیب و ترک تعقیب و میانجی‌گری در قوانین دادرسی ایران از ابتدا تا کنون می‌پردازد.

## ۲- قرار تعلیق تعقیب

نهاد تعلیق تعقیب برخلاف نهاد تعلیق اجرای مجازات که نهادی جهانی و فراگیر در سطح کشورهای متداول است نهادی ابتکاری و نسبتاً بی نظیر است که در نظام کیفری ایران تأسیس شده است. در رابطه با نهاد تعلیق دو ماده‌ی قانون در نظام

کیفری کشور که تأسیس و تحول نهاد تعلیق تعقیب را به دنبال داشته‌اند نخست ماده ۴ مکرر قانون آیین دادرسی ۱۳۹۰ الحاقی ۱۳۵۲ و دوم ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶. طبق ماده ۴۰ مکرر قانون تسریع دادرسی کیفری و کیفر عمومی مصوب بهمن ماه سال ۱۳۵۲ «در امور جنحه هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم نماید و این اقرار حسب محتویات پرونده مقرون به واقع باشد، در صورتی که دادستان با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی و روحیه متهم و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده تعلیق تعقیب را متناسب بداند می‌تواند با احراز شرایط زیر تعقیب کیفری او را معلق و پرونده را به دادگاه جنحه ارسال نماید:

۱) موضوع متهم از جرائم مندرج در باب دوم قانون کیفری عمومی نباشد.

۲) متهم سابقه محکومیت مؤثر نداشته باشد.

۳) شاکی خصوصی در بین نبوده یا گذشت کرده باشد.

دادگاه جنحه در صورتی که قرار تعلیق را تأیید نماید قرار قطعی است در غیر اینصورت، طبق مقررات به موضوع اتهام رسیدگی خواهد شد. هر گاه درباره متهم قرار تأمینی صادر شده باشد پس از قطعیت قرار تعلیق، قرار تأمین ملغی الاثر خواهد شد. (رضایی، ۱۳۸۹)

تبصره ۱- قرار تعلیق کیفری در دفتر مخصوص در ادار، سجل کیفری ثبت می‌شود. در صورتی که متهم ظرف سه سال از تاریخ صدور قرار تعلیق، مرتکب جنحه یا جنایتی شود نسبت به اتهام سابق نیز با رعایت مقررات تعدد جرم، مورد تعقیب قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲: در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم انتسابی توأمأ واقع شده باشد، مانع از اجرای مفاد این ماده نیست و در صورتی که یکی از جرائم انتسابی از درجه جنایی باشد، دادستان وقتی می‌تواند قرار تعلیق در مورد امر جنحه صادر نماید که امر جنایی منتهی به صدور قرار منع تعقیب قرار خواهد گرفت.

به موجب ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۲۵ خردادماه ۱۳۵۶ کلیه اتهامات از درجه جنحه به استثنای جنحه‌های بابا دوم قانون مجازات عمومی هرگاه متهم به ارتکاب جرم اقرار نماید دادستان رأساً می‌تواند تا اولین جلسه دادرسی با احراز شرایط زیر تعقیب کیفری او را با رعایت تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۴۰ مکرر قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قوانین آیین دادرسی کیفری و کیفر عمومی معلق سازد.

۱- اقرار متهم حسب محتویات پرونده مقرون به واقع باشد

۲- متهم سابقه محکومیت کیفری مؤثر نداشته باشد.

۳- شاکی یا مدعی خصوصی در بین نبوده یا شکایت خود را استرداد کرده باشد.

ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری قسمت صدر ماده ۴۰ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری را فسخ نموده و جانشین آن شده است صدر ماده ۴۰ مکرر سابق قانون آیین دادرسی کیفری به نحو زیر انشاء شده بود: «در امور جنحه هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم نماید و این اقرار حسب محتویات پرونده مقرون به واقع باشد در صورتی که دادستان با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی و روحیه متهم و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده تعلیق تعقیب را مناسب بداند با احراز شرایط زیر تعقیب کیفری او را معلق و پرونده را به دادگاه جنحه ارسال نماید.»

متناسب بودن تعقیب به این معنا است که دادستان می‌تواند تعقیب دعوای کیفری را متوقف سازد به بیان دیگر دادستان در صورتی که معتقد باشد تعقیب به نفع عدالت نیست اختیار خواهد داشت از انجام تحقیق خودداری کند در حقوق انگلستان به این اصل بعنوان یکی از اصول مهم حاکم بر تعقیب توجه شده است که تعلیق تعقیب، ترک تعقیب و پذیرش بزهکاری از جمله جلوه‌های آن محسوب می‌شود. این اصل در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ بطور صریح پیش بینی نشده بود ولی برخی از مقررات این قانون از جمله اختیار ترک تعقیب برای دادستان یا بازپرس بر این موضوع دلالت دارد.

قانون آیین دادرسی کیفری که هم اکنون مراحل نهایی تدوین را می‌گذراند. بر این اساس پایه ریزی شده است. هرچند اشکالاتی در آن وجود دارد از جمله پیش بینی رسیدگی مستقیم جرائم تعزیری درجه شش تا هشت در دادگاه است در حالی

که برای دادستان یا سایر مقامات تعقیب، صدور قرارهای ترک تعقیب، تعلیق تعقیب و غیره در قبال این نوع جرائم تجویز شده است! این قرار را که به نوعی می‌توان از دستاوردهای اصلی موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب دانست در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است. این ماده قانونی مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ در خصوص تعلیق تعقیب مقرر می‌دارد در جرائم تعزیر درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است چنانچه شاکی وجود نداشت گذشت کرده یا خسارت وارده، جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیده ترتیب پرداخت آن در مدت مشخص داده دو متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا ۲ سال معلق کند در اینصورت دادستان متهم را حسب مورد مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می‌کند:

- الف) ارائه خدمات به بزه دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه دیده
- ب) ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر، حداکثر ظرف مدت شش ماه
- پ) خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، حداکثر به مدت یک سال
- ت) خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین حداکثر به مدت یک سال
- ج) انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام المنفعه با تعیین دادستان، حداکثر به مدت یک سال
- چ) عدم اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهی نامه، حداکثر به مدت یک سال
- ح) ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط، حداکثر به مدت شش ماه

### ۳- ترک تعقیب

این قرار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ پیش بینی نشده بود و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ برای نخستین بار آن را در تبصره ۱ ماده ۱۷۷ در اختیار مقام قضایی قرار داد به موجب این تبصره در صورت درخواست مدعی مبنی بر ترک محاکمه، دادگاه قرار ترک تعقیب صادر خواهد کرد این امر مانع از طرح شکایت مجدد نمی‌باشد در اصطلاحات بعمل آمده در ق.ت.د.ع.ا در سال ۱۳۸۱، از این قرار سخنی به میان نیامده و در زمره قرارهای قابل اعتراض بازپرس هم احصاء نشده است اما از آنجا که به موجب ماده ۳ قانون اخیر «وظایف و اختیارات دادرسی» برطبق این قانون و آیین دادرسی تعیین شده است و تبصره فوق نیز وابسته به ماده ۱۷۷ و ناظر به رسیدگی به پرونده پس از ارجاع آن به شعبه، یعنی مرحله تحقیقات مقدماتی است

می‌توان بر این اعتقاد بود که در حال حاضر نیز بازپرس و دادیار در این مرحله حق صدور ترک تعقیب را دارند و در عمل نیز مواردی از صدور این قرار در دادسرا دیده می‌شود. (جمشیدی، ۱۳۹۲) با این حال، پیش بینی این قرار که سابقه‌ای هم در قوانین قبلی ما ندارد، امری غیر ضروری به نظر می‌رسد اگر به این نکته توجه داشته باشیم که بند (ب) ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری صدور این قرار را تنها در جرائم مربوط به حقوق الناس مجاز شمرده است و در این جرائم هم اصولاً شاکی می‌تواند با گذشت خود مانع ادامه یافتن تعقیب کیفری شود، دیگر دلیلی در توجیه پیش بینی آن نمی‌یابیم. به روشنی معلوم نیست که چرا شاکی خصوصی که در این جرائم از حق بزرگی برای شروع و موقوفی تعقیب برخوردار است باید از اختیار دیگری برای تقاضای ترک تعقیب نیز برخوردار است. و درعین حال این امر مانع از طرح شکایت مجدد نمی‌باشد در واقع، با این اختیار به شاکی امکان داده می‌شود که هر زمان که مایل باشد دستگاه عظیم تعقیب کیفری را در جهت تأمین نظر خویش به حرکت درآورد و هرگاه که خواست آن را به طور دائم یا موقت از حرکت باز ایستاند امری که می‌تواند منجر به استفاده ابزاری از دادگستری و نهادهای عمومی در جهت منافع شخصی شود.

این قرار نخستین بار در تبصره یک ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری توسط قانونگذار مورد توجه قرار گرفت و با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید در سال ۱۳۹۲ در ماده ۷۹ نیز دوباره مقنن آن را ادامه داد قرار ترک محاکمه اگر چه با رأی و حکم دادگاه از سوی قاضی صادر می‌شود اما ترک محاکمه حق شاکی است و نیز می‌تواند از

این حق صرف نظر کند مطابق ماده فوق مقرر شده است در صورت درخواست مدعی مبنی بر ترک محاکمه، دادگاه قرار ترک تعقیب صادر خواهد کرد این امر مانع از طرح شکایت مجدد نخواهد بود به این معناست که مدعی یا شاکی حق دارد بعد از تقاضای ترک تعقیب مجدداً شکایت کند اما تکلیف پرونده بعد از صدور قرار ترک تعقیب معلوم نیست. یعنی بعد از طرح مجدد شکایت معلوم نیست که همان پرونده قبلی پیگیری می‌شود یا باید پرونده جدید تشکیل و دوباره تحقیقات انجام شود همچنین مدت زمانی که شاکی می‌تواند مجدداً طرح شکایت کند معلوم نیست.

شرایط قرار ترک تعقیب:

- ۱- در هر جرم تعزیری قابل گذشتی امکان صدور این قرار نیست
- ۲- قبل از صدور کیفرخواست صادر می‌شود
- ۳- مرجع صادر کننده دادستان است
- ۴- فاقد اعتبار امر مختومه است
- ۵- فقط یکبار صادر می‌شود.

#### ۴- میانجی‌گری

قدیمی‌ترین شیوه مداخله عدالت‌ترمیمی در حل و فصل اختلافات که از ۳۲ سال پیش تاکنون در کانادا، ایالات متحده و اروپا در حال اجرا بوده، گفتگوی بزه دیده بزه‌کار و میانجی‌گری میان آنهاست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حال حاضر بالن ۱۳۰۰ برنامه میانجی‌گری در سرتاسر دنیا در حال اجرا است (۳۰۲ برنامه در ایالات متحده، ۵۰ برنامه در آلمان، ۱۷۵ برنامه در فنلاند و ۱۵۹ برنامه در فرانسه). بیشتر پرونده‌هایی که به برنامه‌های میانجی‌گری ارجاع داده می‌شوند، جرایم مالی است که در واقع جرایم با درجه کم اهمیت‌تر است که توسط جوانان و بزرگسالان انجام می‌شود؛ این فرآیند به صورت خاص شامل فرآیندهای پیش از محاکمه و دادرسی به منظور انحراف از سیستم قضایی رسمی است و به دستورات و احکام مربوط به دادرسی ختم می‌شود و معمولاً حاصل کار میانجی‌گری به آگاهی دادستان یا قاضی می‌رسد تا مورد ملاحظه قرار گیرد.

#### ۴-۱ فرآیند میانجی‌گری کیفری

فرآیند میانجی‌گری کیفری از مهم‌ترین و شایع‌ترین رویکردهای عدالت‌ترمیمی است، به گونه‌ای که به عقیده کرتی و مانوری (دوتن از نظریه پردازان عدالت‌ترمیمی) میانجی‌گری شالود و سنگ بنای عدالت‌ترمیمی است. در میانجی‌گری بزه‌کاری از قبول ارجاع پرونده اش به میانجی‌گری، باید طی جلسه‌هایی که قبل از آغاز آن توسط میانجی‌گری شکل می‌گیرد مسوولیت عمل خود را بر عهده بگیرد، زیرا اساس کار میانجی‌گری برپایه حصول به توافقاتی است که در طی نشست حاصل می‌آید و هرگونه انکار مسوولیت خطای ارتكابی توسط بزه‌کار، رسیدن به اهداف آن را دشوار و چه بسا کان‌لم‌یکن می‌سازد. پس از آن، ضروری است که هر دوی بزه‌دیده و بزه‌کار به منظور رسیدن به توافق برسر حل و فصل و به تبع آن التیام دردهای ناشی از جرم، انگیزه و اشتیاق کافی را داشته باشند، زیرا به منظور دست یافتن به هدف، موتور محرکه جلسات میانجی‌گری، انگیزه و اشتیاق طرفین در آن است، نکته مهم آنکه جلسات میانجی‌گری باید در فضایی مملوء از امنیت و به دور از هرگونه تشنج و اضطراب ناشی از آثار پس از ترک جلسه باشد. هرگونه تهدید، توهین لفاظی نامناسب پیش از شروع آن از سوی طرفین موجب عدم حصول یک توافق می‌شود.

#### ۴-۲ برآیندهای میانجی‌گری

در سال ۲۰۰۱، پروفیسور مارک امبری، با استناد به پژوهش‌هایی که در عرصه میانجی‌گری کیفری صورت پذیرفته بود، تحقیقاتی بر روی شیوه میانجی‌گری انجام داد و برخی از مهمترین دستاوردهای عدالت‌ترمیمی را این چنین برشمرد ابو هدیده - بزه‌کار از برنامه‌ها و سیستم قضایی کیفری رضایت بالایی داشتند،

۲. شرکت کنندگان درک بهتری از فرایند اجرایی داشتند و نتایج بدست آمده از توافقات را منصفانه می دانستند.

۳. بخش عمده ای از توافقات در برگیرنده جبران خسارت بود و از هر ۸ توافق ۱۰ مورد آن به طور رضایت بخشی به اتمام رسید.

میانجیگری ابزار مناسبی جهت دور شدن بزهکاران جوان از سیستم های رسمی رسیدگی و ابزاری جهت گسترش کنترل های اجتماعی است.

میانجیگری در کاهش تکرار جرم، حداقل مؤثرتر از گزینه های تعلیق سستی اجرای مجازات است.

## ۵- نتیجه گیری

باتوجه به سئوالات مندرج در ابتدای این نوشتار و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوطه، اینگونه می توان استنتاج و نتیجه گیری کرد که: ۱- امروزه آمارها و مطالعات انجام شده نشان داده اند که مجازات سالب آزادی از لحاظ عملی با بحران و ناکارآمدی روبرو است به دلایل ذیل:

اولاً، مجازات سالب آزادی در برآورده کردن رسالتها و اهداف اش (ارباب و بازدارندگی (پیشگیری عام و خاص) و اصلاح و بازپروری مجرمان) موفق نبوده است زیرا، آمارها نشان داده اند که بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرار کنندگان جرم (ارتکاب مجدد جرم مستوجب مجازات حبس توسط زندانی پس از آزادی از زندان) تشکیل می دهند.

ثانیاً به لحاظ برخی مشکلات و معایب وارده بر مجازات حبس و نظام زندانها، استفاده از مجازات سالب آزادی به طور گسترده غیرضروری است ایرادات و معایب وارده عبارتند از: جرم زا بودن محیط زندان، تعارض با اصل شخصی بودن مجازاتها، هزینه اقتصادی زندان، معضلات بهداشتی موجود در زندان، تراکم جمعیت کیفری زندان و کمبود فضای مناسب، اثر روانی نامطلوب زندان بر زندانی و از بین رفتن حس مسئولیت

۲- منظور از جایگزین های حبس در این نوشتار، جایگزین هم به مفهوم مضیق و هم به مفهوم موسع آن است. بعبارت دیگر، نه تنها شامل مواردی که بعنوان کیفر مستقل مورد حکم دادگاه قرار می گیرند نظیر خدمات عمومی، دوره مراقبتی، جریمه روزانه را شامل می شود، بلکه شامل مواردی را که زمینه اجتناب از اجزای مجازات حبس یا صدور آن را فراهم می کنند نظیر تعلیق اجرای مجازات، تبدیل مجازات و مواردی که از ادامه اجرای مجازات حبس جلوگیری می کنند نظیر آزادی مشروط و میانجی گری در مرحله اجرای حکم می شود بنابراین اعمال برنامه و جلوه جایگزین نه تنها در مرحله صدور حکم بلکه در مرحله اجرای حکم نیز قابل تصور هستند.

۳- در حقوق کیفری ایران، اگر چه تدابیر تحت عنوان «تدابیر جایگزین مجازات حبس» و حتی اجتناب از آن از نخستین دوره های قانونگذاری پیش بینی شده است. اما این تدابیر از انسجام کافی برخوردار نبوده و برای نهادینه ساختن آن در نظام کیفری سیاست جنایی مشخصی دیده نمی شود. این تدابیر در حقوق کیفری ایران محدود و تنها شامل برخی از تدابیر نظیر تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تبدیل مجازات، محرومیت از حقوق اجتماعی و نیز جزای نقدی می شود در حالی که روش های دیگر جایگزین نظیر خدمات عمومی، جریمه روزانه و غیره می توانست تنوع بیشتری به این سیاست ببخشد و در رعایت اصل تناسب و فردی کردن مجازات مساعدت بیشتری نماید تدابیر پیش بینی شده در حقوق کیفری ایران در قلمرو مجازاتهای تعزیری و بازدارنده قابل اعمال اند. همچنین برای اعمال تدابیر فوق در قوانین فعلی نهادهای مشخصی با مأمورین شخصی و دارای اختیارات معین پیش بینی نشده است. به طور کلی، علی رغم پیش بینی جایگزین هایی در حقوق کیفری ایران برای کیفر حبس، همواره مجازات حبس بعنوان مهم ترین واکنش در مقابل بزهکار به شمار رود.

۴- قانون ۱۳۰۴ جرم را از حیث شدت و ضعف مجازاتها به چهار نوع تقسیم کرده بود که عبارت از جنایت، جنحه ی مهم، جنحه ی کوچک (تقصیر) خلاف بود. مجازات حبس با اعمال شاقه (موب و موقت) و حبس مجرد برای جنایت، حبس تأدیبی برای جنحه (مهم و کوچک) در نظر گرفته شده است. در اصلاحیه ی قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ جرائم در سه نوع جنایت، جنحه، خلاف شدند و مجازات حبس با اعمال شاقه از قانون مجازات حذف شد. حبس دائم و حبس جنایی درجه یک و

دو برای جنایت و حبس جنحه ای برای جنحه (مهم و کوچک) در نظر گرفته شد. پس از انقلاب در آبان ماه ۱۳۶۱ قانون راجع به مجازات اسلامی به تصویب رسید و مجازاتها به چهارنوع حدود، قصاص، دیات، تعزیرات تقسیم بندی شد و تعیین نوع حبس در قانون از بین رفت در این قانون برای برخی از جرائم مهم مانند خیانت در امانت و سرقت، شلاق در نظر گرفت که در سال ۱۳۷۵، ۱۳۹۲ مجازات حبس برای این دسته از جرائم در کنار شلاق دوباره احیا گردید به منظور مطالعه و بازبینی شیوه‌های اجرای کیفر حبس در کشور آیین نامه‌ی زندان‌ها مصوب سال‌های ۱۳۹۲، ۱۳۸۰، ۱۳۷۰، ۱۳۶۸، ۱۳۶۱، ۱۳۵۲، ۱۳۴۷، ۱۳۰۷ نیز در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت.

### پیشنهادات

باتوجه به عدم مشروعیت عملی و نظری مجازات حبس و نیز تجزیه و تحلیل جایگزین‌های آن و مقررات مربوط به آن‌ها در این نوشتار با استفاده از قواعد و مقررات فعلی ایران و سایر کشورهای جهان و نیز با در نظر گرفتن فواید جایگزین‌های حبس نسبت به خود مجازات حبس و موفقیت‌آمیزتر بودن آن‌ها به لحاظ کاهش تکرار جرم، حفظ موقعیت شغلی، خانوادگی و اجتماعی مجرم و غیره - در اکثر کشورهای جهان، به نظر می‌رسد توسل به جایگزین‌های مجازات حبس در حقوق ایران نیز ضروری است اما اجرای توأم با موفقیت آن‌ها در ایران نیازمند یکسری پیشنهادات و راهکارهایی می‌باشد که به هر یک از آن‌ها به طور مفصل در نوشتار پرداخته شده است در اینجا به طور مختصر به اهم پیشنهادات اشاره خواهیم کرد.

۱- قوه قضائیه که استفاده از مجازاتهای جایگزین حبس را پذیرفته است برای اجرای کارآمد این برنامه‌ها بایستی در میان مردم و قضات، فرهنگ سازی لازم را صورت دهد.

۲- استفاده از برنامه‌های جایگزین حبس باید سنجیده و نیز مبتنی بر رعایت اصل تناسب (فردی کردن مجازاتها) باشد.

۳- رعایت اصل تناسب، نیازمند ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده قضایی است.

۴- اینکه آیا آزادی مشروط، حبس ابد را شامل می‌شود یا خیر؟ باید صریحاً در قانون قید شود.

۵- جایگزین‌هایی نظیر دوره مراقبتی، خدمات عمومی، جریمه روزانه، حبس خانگی، دوره مراقبتی فشرده و نیز شرایط ساختار اجرایی هر یک از آن‌ها در قانون پیش بینی شود. هر یک از موارد فوق به طور جداگانه همراه با شرایط و ساختارها هر یک از آن‌ها به جز دوره مراقبتی فشرده و حتی حبس خانگی بعنوان مجازات اصلی پرداخته‌اند اما حبس خانگی به عنوان مجازات اصلی و چه بعنوان متمیم مجازات و نیز دوره مراقبتی فشرده را می‌توان در قوانین کیفری ایران پیش بینی کرد زیرا اینها هم مثل سایر مجازاتهای مقرر می‌باشند و دارای مزایای نسبت به مجازات حبس‌اند.

۶- محصور شدن انواع مجازاتهای اجتماعی به چهار نوع مرتفع گردد تا بتواند تنوع انواع مجازاتهای اجتماعی را همزمان با تحولات روز گسترش داد.

۷- در نظر گرفتن مجازاتهای جایگزین وارداتی با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور

۸- ضمانت اجرای عدم اجرای مجازاتهای اجتماعی، کیفری غیر از زندان پیش بینی شود تا با اهداف این مجازاتها تعارض ایجاد نشود.

۹- دامنه محرومیت از حقوق اجتماعی به موارد مذکور در قانون فوق محدود نشده و در حد امکان افزایش یابد.

## منابع

۱. جمشیدی، علیرضا، نوریان، علیرضا، متناسب بودن تعقیب کیفری، مفهوم مبانی و جلوه ها در حقوق ایران و انگلستان کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تابستان ۱۳۹۲.
۲. حاجی تبار فیروزجائی، حسن، جایگزین‌های کیفر حبس، تقریرات کیفرشناسی، دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، نیمسال اول ۸۵-۸۶
۳. رضایی، غلامحسین، راهبرهای تعلیق تعویق در فرایند کیفری، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۹، نشر میزان.
۴. صفاری، علی و حاجی تبار فیروزجائی، مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، ۱۳۹۳، انتشارات فردوسی.
۵. صفاری، علی، کیفرشناسی تحولات مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، چاپ ۳۹، انتشارات جنگل، ۱۳۹۹.
۶. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، کیفرهای جامعه مدار در کیفرشناسی، چاپ چهارم انتشارات مجد، آبان ۱۳۸۴.